

# دروازه ملل

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، ادبی

سال اول \* شماره دوم \* پاییز ۹۹

شماره مجوز ۳۰۵۵۳/د۱۹۳





## در واژه ملل

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، ادبی  
سال اول \* شماره دوم \* پاییز ۹۹  
شماره مجوز ۳۰۵۵۳/د۱۹۳

صاحب امتیاز: طاهره جمشیدی  
مدیر مسئول: طاهره جمشیدی  
سر دبیر: هادی کسایی

### هیئت تحریریه:

**زهره جمشیدی**  
کارشناسی ارشد مدیریت دولتی  
مدرس دانشگاه

**محمد سالار نوری**  
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل  
دانشگاه تربیت مدرس

**هادی کسایی**  
دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی  
دانشگاه تربیت مدرس

**طاهره جمشیدی**  
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل  
دانشگاه تربیت مدرس

داور: دکتر محمد حسین جمشیدی (استادیار روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس)

ویراستار فنی ادبی: طاهره جمشیدی

طراح جلد: طاهره جمشیدی

حروف چینی و صفحه آرایی: طاهره جمشیدی

نشانی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، ساختمان خوارزمی، معاونت فرهنگی و اجتماعی

پست الکترونیک: [nationsgatetmu@yahoo.com](mailto:nationsgatetmu@yahoo.com)

این نشریه دارای مجوز ۳۰۵۵۳/د۱۹۳ در تاریخ ۹۸/۱۰/۲۲ از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس است.

## فهرست مطالب

- سخن سردبیر..... ۴
- توهم دموکراسی\_ ارزش های جمهوری..... ۵
- نمادهای صلح..... ۷
- معرفی شخصیت(ژیل دلوز)..... ۹
- بررسی تأثیر لابی صهیونیستی بر عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اجرای قطعنامه های صادره  
در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل..... ۱۱
- مقایسه عملکرد سازمان ملل و اتحادیه اروپا..... ۱۵
- چه کسی به پا خواهد خواست؟..... ۲۰
- معرفی کتاب..... ۲۳

## سخن سردبیر:

همواره قصد و منظور از مطالعه و کنکاش علمی، افزودن به دانش و نیل به پاسخ‌ها بوده است. غافل آنکه گاه غایت خردورزی کاستن از پیش‌پنداشته‌ها و رسیدن به پرسش‌های تازه است. با این وصف شاه‌راهی که به دروازه ملل ختم می‌شود سوغاتش تفکر و نگاه دگرگونه نسبت به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران و جهان است یا امیدواریم که باشد و این راه هزارتویی نخواهد شد مگر با اشتراک مساعی چندین و چند رشته علمی چنان که در مرام‌نامه‌ی نشریه حاضر عهد بر پرداختن به عرصه‌های خرد و کلان و حوزه‌های میان‌رشته‌ای بوده است. چنان‌که آلتوسر باور داشت ما با واقعیتی روبرو هستیم که در جهان معاصر دارای تعیین‌چندگانه است لذا بررسی چنین ابژه‌ی ذوابعدی نیاز به همکاری حوزه‌ای مطالعاتی گوناگونی دارد. در پایان‌قدردانی می‌کنم از دوستان و همکاران عزیز و به خصوص اعضای هیئت تحریریه که ما را در تمهید نشر دوم این نشریه مرهون محبت خویش کردند. از زحمات و پیگیری‌های بی‌وقفه‌ی مدیر مسئول کمال تشکر و قدردانی را دارم و تقاضا دارم از همه هم‌فکران و کسانی که در حوزه‌ی موضوعات و مسائل ذیربط نشریه، حاضر به همکاری یا نشر مطالب و دیدگاه‌های خود هستند ما را از لطف و یاری خود محروم نکنند باشد که در معیت هم‌پرتویی بر حجم‌قیرین‌نه در کجایی، نا در کجایی و بی‌در زمانی اندیشه‌ی معاصر بیفکنیم.

هادی کسایی

توهم دموکراسی\_ ارزش های جمهوری

محمد سالار نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

دانشگاه تربیت مدرس



شخصیت غیر اخلاقی، متعصب و دروغگو می دانند که به شدت از نژاد پرستی و تعصبات نژادی استقبال می کند. همچنین ترامپ را دارای صلاحیت های لازم برای ریاست جمهوری نمی دانند و شاهد مثال های فراوانی از جمله مردود شدن در آزمون کرونا و افزایش خشونت علیه سیاه پوستان را همواره بیان می کنند. جمهوری خواهان نیز دل خوشی از ترامپ ندارند و افرادی چون تدکروز، رندپاول، نیکی هیلی و بولتون مکرر از او انتقاد کرده اند. اما با همه ی این تفاسیر، این سوال به ذهن متبادر می شود که چرا همچنان محافظه کاران، انجیلی ها و اکثریت سفیدپوستان از ترامپ حمایت می

شرایط فعلی جهان و دوران گذار، باعث شده تا نه تنها ایرانیان بلکه تمام مردم جهان دنبال کننده انتخابات این دوره ی امریکا باشند. جهان با همه گیری کرونا به عنوان چالش قرن مواجه است و می توان گفت مردم در سراسر دنیا به دنبال منجی و نجات دهنده می گردند. از بسیاری جهات، رای گیری ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا نه تنها همه پرسی در مورد شخصیت و رهبری، بلکه رفراندومی در مورد جایگاه بین المللی امریکا در جهان است.

به طور قابل پیش بینی، لیبرال ها و دموکرات ها، ترامپ و همراهان جمهوری خواه او را مقصر همه ی آنچه امروز ایالات متحده به آن مبتلاست می دانند. آن ها ترامپ را یک



کنند؟ در واقع برای پاسخ به این سوال می توان از این جمله ی ادام اسمیت استفاده کرد: از روی خیرخواهی ناتوا نیست که برای شام به شما نان می دهد. به عبارت دیگر، تا زمانی که ترامپ دستور کار محافظه کارانه را با کاهش مالیات و یا تعیین قضات محافظه کار را اجرا کند جمهوری خواهان بی توجه به تخلفات و فسادهای او پشت سرش خواهند ایستاد. بنابراین تا زمانی که رییس جمهور از محبوبیت در میان رای دهندگان راستگرای افراطی برخوردار است، شانس زیادی برای انتخاب مجدد دارد. ترامپ با اینکه یک تازه کار سیاسی است و بینش عمیقی نسبت به مسائل سیاسی ندارد، موفق شده دستورالعمل های حزبش را به طرق مختلف پیش ببرد. این واقعا تعجب آور است که یک توسعه دهنده ی املاک و مستغلات توانسته یک حزب سیاسی را تصاحب کند و شروع به تغییر دموکراسی پیشرو در جهان کند. این طور به نظر می رسد که در صورت انتخاب مجدد، ترامپ سال آینده با قدرت و انتقام بیشتری برمی گردد به ویژه با توجه به نگاه جمهوری خواهان که معتقدند هدف وسیله را توجیه می کند، یعنی استفاده از هر وسیله ای حتی غیر دموکراتیک و غیر لیبرال برای حفظ قدرت موجه است. به همین دلیل بسیاری بر این عقیده اند که انتخاب مجدد ترامپ ضربه ای مهلک به ارمان های بشری و مبانی دموکراسی است. ادوارد جی. واتس، مورخ دانشگاه کالیفرنیا معتقد است اگر ترامپ دوباره پیروز شود هنجارها و اصول دموکراسی امریکایی کاملا از بین می روند. واتس اضافه می کند حتی اگر بایدن پیروز شود، بهبود ایالت متحده مدت زیادی طول خواهد کشید. جان ایکینبری

نویسنده ی کتاب جهان امن برای دموکراسی و استاد دانشگاه پرینستون معتقد است در سطح بین المللی این یک لحظه ی تاریخی برای جهان است. نقش امریکا در جهان و سازماندهی سیستم جهانی در این انتخابات مشخص می شود. ایکینبری معتقد است اگر ترامپ پیروز شود، تمام نظم لیبرال در هم شکسته می شود. جوزف نای نیز به عنوان یکی از برجسته ترین دانشمندان سیاسی در مصاحبه ای به نقل از یک دیپلمات بلند پایه ی اروپایی گفت: ما می توانیم نفس خود را چهار سال ننگه داریم، اما هشت سال خیلی زیاد است. متفکرین برجسته ای مانند مرشایمر مدت هاست استدلال می کنند که انترناسیونالیسم لیبرال به سبک امریکایی ان بذرهای نابودی خود را کاشته است. مرشایمر می نویسد: لیبرالیسم یک ذهنیت فعالانه در هسته ی اصلی خود دارد. این اعتقاد که انسان ها دارای مجموعه ای از حقوق مسلم هستند که حمایت از این حقوق باید سایر نگرانی های داخلی را نادیده بگیرد، انگیزه ی قدرتمندی برای مداخله ی کشورهای لیبرال در خارج از کشور ایجاد کرده است. در هر حال بر هیچ کس اهمیت این دوره از انتخابات امریکا پوشیده نیست، ولی شاید بتوان گفت نباید دیگر روی بازگشت به امریکای قبل حسابی باز کرد، به خصوص اگر ترامپ دوباره رییس جمهور ان باشد

منابع

<https://foreignpolicy.com/2020/09/25/20-election-donald-trump-joe-biden/>

<https://www.aljazeera.com/us-elections-2020/>



زهرا جمشیدی

## نماد های صلح



### شاخه زیتون



امروزه یکی از پرافتخارترین نشانها که به هر فرد یا کشوری در عرصه صلح و دوستی تعلق میگیرد نشانی از جنس زیتون است. شاخه زیتون نماد صلح، دوستی و آرامش در تمام دنیا است. سازمان ملل متحد نیز از شاخه زیتون بعنوان نماد صلح و آرامش استفاده میکند.

### نیلوفر آبی در ایران باستان | لوتوس



این گل بیانگر نمادهای مختلف می باشد که مشترک با عقاید سایر ملل نیز هست بعنوان مثال نماد باروری- کامیابی- قدرت حاصلخیزی زمین- حمایت از هر موجود زنده- صلح جهانی- زیبایی، تندرستی، مظهر عشق، ریاضت و عبادت می باشد. لوتوس مظهر روشنایی نیز هست در نتیجه حاصل قدرتهای خلاق آتش، خورشید قمر است و به عنوان محصول خورشید و آبها شناخته شده است.

### تفنگ گره خورده



"تفنگ گره خورده" یا مجسمه "نه به خشونت" سازه ای برنزی به شکل یک "کلت پیتون مگنوم ۳۵۷" عظیم الجثه با لوله ای گرمخورده است که دهانه آن رو به آسمان قرار دارد و به نمادی از صلح و امید تبدیل شده است. سازه عظیم و خلاقانه تفنگ گره خورده که به عنوان مجسمه "نه به خشونت" نیز شناخته می شود، با الهام از غم و اندوه ناشی از قتل جان لنون، خواننده و آهنگساز انگلیسی در سال ۱۹۸۰ که یکی از فعالان صلح جو بود، توسط نقاش و مجسمه ساز سوئدی، "کارل فردریک رویترزوارد" ساخته شد و نسخه اصلی آن در سال ۱۹۸۸ از طرف دولت لوگزامبورگ به سازمان ملل اهدا شد.



## تندیس آزادی



مجسمه یا تندیس آزادی مجسمه ای بزرگ است که در اواخر قرن ۱۹ میلادی، به مناسبت صدمین سالگرد استقلال آمریکا، از طرف فرانسه به آمریکا اهدا شد. امروزه این مجسمه نمادی از آمریکا است.

## سمبل V یا پیروزی



استفاده از دو انگشت اشاره و میانی می تواند نشان دهنده سمبل آرامش باشد و این علامت معانی مختلفی دارد و آن را می توان هم به معنی آرامش و هم پیروزی تلقی کرد و قدمت این علامت نیز به جنگ جهانی اول بر می گردد و کم کم با تمام شدن جنگ نیز در بین مردم رواج پیدا کرد تا این که امروزه استفاده از آن بسیار افزایش پیدا کرده است.

## سمبل بودا



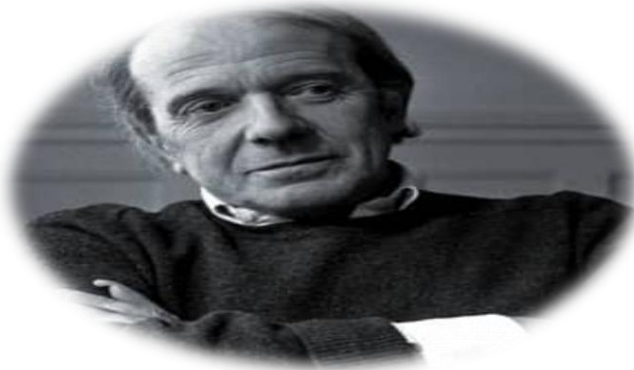
انواع مختلفی از سمبل آرامش در بودا وجود دارد که یکی از آن ها لوتوس سفید ، چرخه هارما ، خود شخص بودا و غیره می باشد و بیشترین این سمبل ها نشان دهنده آرامش درونی می باشد زیرا خود فرد بودا درونش را از آشفتگی ها و مشکلات روزگار دور کرده است و اکنون می توان موارد مختلف آرامش در سراسر دنیا را شناخت .





معرفی شخصیت: (هادی کسایی)

## ژیل دلوز



کتاب بسیار مهم آنتی اودیپ و هزار فلات بود که علی رغم ترجمه نشدن آنها به زبان فارسی مفاهیم این دو کتاب در اغلب مقاله ها و پژوهش هایی که دغدغه ی بنیادهای جهان معاصر و به طور خاص جهان پسامدرن را داشته اند مشهود است. هم زمان با انتشار هزار فلات در ۱۹۸۰ دلوز درگیر فعالیت های سیاسی شد و به گروه اطلاع رسانی درباره ی زندان پیوست و نیز در دفاع از حقوق هم جنس بازان و جنبش آزادی خواهی فلسطینیان مقاله نوشت. دلوز در آثاری هم چون تصویر-حرکت و تصویر-زمان و فرانسیس باکون به تامل در عرصه هنر بخصوص هنر سینما و نقاشی پرداخت. عموماً دلوز را یک فیلسوف سیاسی دانسته اند. اما بسیار متفاوت با چهره های مثل هابز و لاک و روسو. او در یک مجله فرانسوی در یک جمله قصار می گوید: فلسفه یک کنش سیاسی است. فلسفه سیاسی او بر مفاهیمی هم چون: مونتاژ ماشینی، شدن ها، کوچ گرایی، اتصال تصرف، فرایندهای قلمروزدایی و بازقلمروسازی استوار است. دلوز و گوتاری که عموماً آنارشویست خوانده شده اند اما نه به معنای مصطلح کلمه در اکثر آثارشان به امکان تغییر و میل به اتوپیا پرداخته اند. با این حال سوالی که می بایست در آغاز مطرح میشد در این پایان مد نظر قرار میدهم که چرا دلوز؟

پاسخ این سوال را با اسفاده از یکی از مفاهیم کلیدی خود دلوز خواهم داد یعنی مفهوم تکرار. دلوز نقطه آغاز تفکراتش را به گونه ای دکارت وار در بازنگری تفکرات پیش از خود و نقد آنها قرار می دهد. دلوز تا تفکرات افلاطون به عقب بازمی گردد دگرگونی هایی اساسی در تفکر غرب ایجاد می کند و تا بازنگری

ژیل دلوز متفکر فرانسوی نه چندان شناخته شده در ایران؛ یکی از کلیدی ترین متفکران بعد از جنگ جهانی دوم است. او در سال ۱۹۲۵ در شهر پاریس به دنیا آمد و تقریباً تمام عمر خود را در شهر پاریس سپری کرد. پدر ژیل یک مهندس محافظه کار ضدیهود بود و جنگ جهانی اول را در لباس سربازی تجربه کرده بود. برادر ژیل نیز در میانه ی فجایع نازی ها در جنگ جهانی دوم در مسیر انتقال به آوش ویتس در گذشت مع الوصف خانواده دلوز درگیر با مسائل اساسی زمانه خود بود. ژیل در دانشگاه سوربن زیر نظر استادانی هم چون ژان هیپولیت و ژرژ کانگیلیم تحصیل کرد. اولین کتاب او با نام: تجربه گرایی و سوژکتیویته که در مورد تفکرات دیوید هیوم بود در سال ۱۹۵۳ منتشر شد. اما آوازه ی ژیل مرهون کتاب نیچه و فلسفه است که اثری هنوز کلیدی در تعمیق و معرفی تئوری نیچه است. ژیل در ارتباطی نزدیک با اندیشمند بزرگ میشل فوکو بود و متن مناظره های این دو متفکر پسا ساختارگرا امروزه بسیار خواندنی است. هنگام مرگ فوکو؛ دلوز در سوگ او کتاب پرمایه ای نوشت که چهره ای تازه از فوکو و افکار پیچیده او معرفی میکرد. دلوز در سال ۱۹۶۸ از تز دکتری خود با عنوان: ناهمسانی و تکرار و اکسپرسیونیسم در فلسفه : اسپینوزا؛ دفاع کرد. دلوز از سال ۱۹۶۹ تا پایان عمر استاد دانشگاه پاریس بود.

باید گفت نقطه عطف زندگی و تفکر دلوز؛ آشنایی او با فلیکس گوتاری روانکاو بود. حاصل این آشنایی دو

تفکرات پدیدارشناسانی چون هوسرل و هایدگر پیش می آید اما آیا تکرار تفکرات گسترده هیوم و اسپینوزا (میدانیم که تز او نیز پرداخت به تفکرات اسپینوزا بود) و کانت و نیچه و سایر فیلسوفان معاصر ضرورتی دارد؟ پاسخ این پرسش در تعریف دلوز از مفهوم تکرار نهفته است و لاغیر: تکرار، بازخداد همان چیز به صورت مکرر نیست. تکرار یک چیز منبع

شروه دوباره آن است. تکرار یک چیز نوسازی و پرسش است و سرباز زدن از اینکه آن چیز به همان صورت باقی بماند. ( در همین چاپ از گاهنامه به گفتگوی میان سیاسی ترین عنصر تفکر دلوز با تفکرات دیگری که دلوز در نظر داشته و یا احیانا نداشته است خواهیم پرداخت).

کلبروک، کالر. ژیل دلوز. ترجمه ی رضا سیروان. چاپ اول ۱۳۸۷. نشر مرکزی

پیتون، پال. دلوز و امر سیاسی. ترجمه ی محمود رافع. ۱۳۸۳. نشر گام نو



# بررسی تأثیر لابی صهیونیستی بر عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اجرای قطعنامه های صادره در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل

طاهره جمشیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

دانشگاه تربیت مدرس



## چکیده

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر لابی صهیونیستی بر عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اجرای قطعنامه های صادره در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل است. اجتناب شورای امنیت سازمان ملل از صدور قطعنامه در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل و عدم ضمانت اجرای لازم در رابطه با قطعنامه ها صادره در ارتباط با این موضوع، محقق را بر آن داشته است تا به بررسی و واکاوی در این باره بپردازد. لذا مقاله حاضر در پی آن است تا به این سوال پاسخ دهد که چرا قطعنامه های شورای امنیت در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل از ضمانت اجرا ی لازم برخوردار نیستند؟ نویسنده در پاسخ به این پرسش با کاربرد روش همبستگی چند متغیری و با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای به این نتایج دست یافته که نفوذ لابی صهیونیستی در سازمان ملل بطور کل و نفوذ در شورای امنیت بطور خاص مانع اجرای قطعنامه صادره در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل است

کلید واژه ها: لابی صهیونیستی، شورای امنیت، مسئله فلسطین و اسرائیل

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

موسی زاده در کتاب سازمان های بین المللی در این باره اینگونه عنوان می کند " آنچه که از ابتدای تأسیس سازمان ملل در قالب شورای امنیت مورد پیش بینی قرار گرفت عبارت بود از یک ارگان اجرایی کوچک با عملکرد مدام که قادر باشد به هنگامی که صلح و امنیت بین المللی مورد تهدید قرار گیرد اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع و مؤثر نموده، مکانیزم اجبارکننده پیش بینی شده در فصل هفتم منشور را به کار اندازد" (موسی زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۶). تصمیمات این شورا به صورت قطعنامه های شورای امنیت اعلام می شود. از زمان ۱۹۴۸ اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی در

بر اساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت یکی از ارکان سازمان ملل متحد است که پاسداری از امنیت و صلح بین المللی برعهده این شورا می باشد. اعطای چنین مسئولیتی به شورای امنیت در طرح های پیشنهادی کنفرانس دمپارتن اوکس پیش بینی شده بود. براساس منشور سازمان ملل متحد حیطة قدرت شورای امنیت شامل اعزام نیروهای پاسدار صلح، تصویب تحریم های بین المللی و اعطای اجازه استفاده از نیروی نظامی علیه کشورهای دیگر است. شورای امنیت پنج عضو دائم و ده عضو انتخابی دارد که اعضای دائم در رای گیری های شورا حق وتو دارند..



فلسطین تاکنون به طور متوسط هر سال حداقل یک یا دو قطعنامه و در سال‌های اخیر تا ۹ قطعنامه در سال نیز علیه این رژیم در شورای امنیت و یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیشنهاد شده است اما صهیونیست‌ها با پشتیبانی آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی طی ۷۰ سال اخیر از اجرای صدها مصوبه و قطعنامه سازمان ملل متحد، سرباز زده و به اراده و خواست اکثریت ملل جهان، بی‌اعتنایی کرده‌اند. آمریکا قریب ۵۰ بار از حق وتوی خود برای جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های سازمان ملل علیه اسرائیل استفاده کرده است. با وجود اینکه حل مسئله فلسطین و کشمکش طولانی اعراب و اسرائیل می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر ثبات منطقه بحران زای خاورمیانه بر جای گذارد، اما قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، به عنوان یک ابزار قوی در

## ۲. چارچوب نظری

در این پژوهش از نظریه واقع‌گرایی و شاخه‌های مختلف آن استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد چارچوب نظری مناسبی جهت تحلیل موضوع پژوهش یعنی بررسی تأثیر لابی صهیونیستی بر عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در اجرای قطعنامه‌های صادره در رابطه با مسئله فلسطین و اسرائیل می‌باشد.

در بررسی این موضوع که دیدگاه رئالیست‌ها نسبت به سازمان‌های بین‌المللی چگونه است باید اشاره داشت که رئالیسم خود یک مفهوم کلی است که طیفی از نظریات رئالیسم کلاسیک، نئورئالیسم، رئالیسم ساختارگرا، رئالیسم تدافعی، رئالیسم تهاجمی را در برمی‌گیرد. بنابراین در این بخش از مقاله به بررسی دیدگاه برخی از نظریات فوق‌الذکر نسبت به سازمان‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود.

معمولاً به تفکر رئالیستی از زمان توسیدید تا سال‌های اوسط جنگ سرد یعنی قبل از ارائه نظریه رئالیسم ساختارگرای والتز، رئالیسم کلاسیک اطلاق می‌شود. نمایندگان فکری آن ای. اچ. کار (Carr, H.E) و جرج شوارزبرگ (George Schwarzenberger) در انگلستان و نیبور (Niebuhr Reinhold) و هانس مورگنتا (Hans Morgenthau) در آمریکا هستند. رئالیسم کلاسیک که رئالیسم فطری بشر نیز خوانده می‌شود، بر مبنای ماهیت قدرت طلب و شرور انسان و ویژگی دولت به تحلیل سیاست و به خصوص سیاست خارجی دولتها در عرصه بین‌المللی می‌پردازد.

مرشایمر معتقد است نظریه رئالیسم کلاسیک بر اساس این فرضیه ساده قرار دارد که دولتها به

زمینه ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی، در این زمینه تصویب و اجرا نشده‌اند و در نهایت به بن بست خورده‌اند. بنابراین این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که چرا قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل از ضمانت اجرای لازم برخوردار نیستند؟ فرضیه نویسنده این است که نفوذ لابی صهیونیستی در سازمان ملل بطور کل و نفوذ در شورای امنیت بطور خاص مانع اجرای قطعنامه صادره در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل است. پس هدف این پژوهش تلاش در جهت تأیید فرضیه مذکور بر اساس ارائه شواهد و قرائن موجود منبئ بر نفوذ لابی صهیونیستی در سازمان ملل و بطور اخص تأثیر بر تصمیمات شورای امنیت در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل است.

وسیله انسان‌هایی جهت داده می‌شوند که دارای «اراده قدرت» ذاتی از بدو تولد هستند. این علت اشتباهی سیریناپذیر دولتها برای قدرت یا به بیان مورگنتا «شهوته بی حد و حصر برای کسب قدرت» است. بدان معنی که آنها همواره به دنبال یافتن فرصتی برای تهاجم و تسلط بر دولتهای دیگر هستند (Mearsheimer, 2009). از منظر مورگنتا سیاست بین‌الملل مانند سایر عرصه‌های سیاست، مبارزه‌ای است برای کسب و حفظ قدرت و اهداف غایی سیاست بین‌الملل هر چه باشد، همیشه قدرت هدفی عاجل محسوب می‌شود (مورگنتا، ۱۳۷۹، ص ۴۵).

نظریه پرداز برجسته مکتب رئالیسم یا سیاست قدرت، «هانس مورگنتا» نویسنده کتاب «سیاست میان ملت‌ها» می‌باشد. اگرچه وی اثر مشخصی را به حوزه سازمان‌های بین‌المللی اختصاص نداده است، اما پژوهش‌ها و آثار وی چنان وسیع هستند که مسائل عام روابط بین‌دولت‌ها و مسائل و مشکلات خاص سازمان‌های بین‌دولتی را نیز در برمی‌گیرد. سه مولفه و ویژگی عمده آثار مکتوب مورگنتا عبارت است از اینکه اولاً دولت-ملت‌ها مهمترین کنشگران روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل محسوب می‌شوند؛ ثانیاً موضوع مهم در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل منازعه بر سر قدرت می‌باشد و ثالثاً اینکه بین سیاست داخلی و خارجی تمایز مشخصی وجود دارد. این سه مولفه منعکس کننده دیدگاه مورگنتا در مورد سازمان‌های بین‌المللی است و اینکه سازمان‌های بین‌المللی به عنوان نهادهای بین‌دولتی در نظر گرفته می‌شود می‌شوند که تنها برای



کسب قدرت و یا حل مشکل صلح میتوان از آنها بهره برد (Archer, 1992 p: 81)

نئورئالیسم نیز دیدگاهی مشابه با رئالیسم درباره نقش و جایگاه سازمان های بین المللی دارد. در واقع نظریه پردازان این گروه که مهمترین آنها "کنث والتز (Waltz Kenneth) و گیلپین (Gilpin)" هستند دیدگاهی همانند دیدگاه مورگنتا نسبت به سازمانهای بین المللی دارند. از نظر این گروه از پژوهشگران، سازمان های بین المللی به عنوان ابزار سیاستگذاری دولتها تلقی می شود و متغیری مستقل از قدرت دولت ها نیستند، بلکه وابسته به آنها هستند. به عنوان نمونه والتز تاکید می کند که دولتها کنشگران اصلی نظام بین المللی محسوب میشوند (Waltz, 1986, p: 89). بنابراین طبق نظر متفکرین نئورئالیسم از جمله والتز دولت ها در درون نظام بین الملل می توانند قواعدی را که بر خلاف میل آنها باشد نقض کنند و قواعد جدیدی را ایجاد کنند که منافع آنها را برآورده سازد (Waltz) 1979 p: 94, والتز همانند

#### بحث و نتیجه گیری

در راستای بررسی فرضیه مذکور " نفوذ لابی صهیونیستی در سازمان ملل بطور کل و نفوذ در شورای امنیت بطور خاص مانع اجرای قطعنامه صادره در خصوص مسئله فلسطین و اسرائیل است" ، نفوذ لابی اسرائیل در ساختار حکومت و سطوح بالای تصمیم گیری قدرت های بزرگ بویژه آمریکا و قدرتهای غربی و نفوذ عمیق آن در سازمانها و نهادهای جهانی، در قالب پیشنه پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. جهت روشن تر شدن بحث به تاریخچه (۲۰۱۷-۱۹۷۳) «وتو» که ایالات متحده به نفع اسرائیل و بر ضد مسئله فلسطین به کار برده است، اشاره شد.

سازمان ملل متحد ابزاری است سیاسی تحت نفوذ صهیونیستها برای تحمیل و استعمار ملت های جهان و باوراندن لزوم یک حکومت جهانی به آنها که به وسیله آن سلطه مرئی و نامرئی صهیونیسم بین الملل بر سراسر جهان تحکیم شود (شیرودی، ۱۳۸۸). از همان ابتدای تأسیس سازمان ملل صهیونیست ها به اشغال پست های کلیدی این سازمان پرداختند. بهترین گواه برای تبیین نفوذ صهیونیسم در سازمان ملل سخنان کوفی عنان است که در شرایطی که جنایت اسرائیل علیه مسلمانان بیداد می کرد اظهار کرد که " یهودیان باید احساس کنند سازمان ملل خانه آنها است" (صفا تاج) پیوند استراتژیک بین ایالات متحده و اسرائیل این فرصت را به اسرائیل داده است که سیاست خارجی خویش را در زمان که سازمان ملل با آن مخالفت بر خاسته ، مستقلا شکل دهد، و این همان مؤلفه ای است که سیاست خارجی اسرائیل را در

گیلپین بر این اعتقاد است که سیاست بین الملل ، عرصه توزیع نابرابر قدرت است و در واقع تحلیل سیستمیک ارائه می کند . از نظر آنها سازمان های مهم بین المللی همچون سازمان ملل متحد یا نهاد های برتون وودز هم در واقع در خدمت قدرت های اصلی و هژمون هستند (Archer, 1992, p: 84).

بنابراین در مجموع می توان گفت اگرچه، رئالیسم شاخه های نظری مختلفی را در برمیگیرد، اما مفروضه مشترک همه آنها از جمله نئورئالیست ها، رئالیست های ساختارگرا و رئالیستهای کلاسیک این است که دولت ها کنشگران اصلی نظام بین الملل محسوب میشوند و سازمان های بین المللی نیز به عنوان ابزاری در دست آنها و در جهت افزایش منافع (به خصوص قدرت ) آن دولت ها می باشد. در نتیجه رئالیست ها جایگاه محوری را در روابط بین الملل به دولت ها می دهند و سازمان های بین المللی را به عنوان متغیری وابسته به قدرت و نه متغیر مستقل در نظر میگیرند.

برابر نهادهای بین المللی متمایز می سازد. به عبارت دیگر اسرائیل در برابر سازمان ملل متحد همانند دیگر کشورها نیست (اسلامی، ۱۳۸۸).

نفوذ لابی اسرائیلی در ساختار سازمان ملل و به ویژه رکن شورای امنیت این سازمان ، به واسطه ایالات متحده آمریکا، در قالب دیدگاه واقع گرایان نسبت به سازمان های بین المللی قابل تبیین است. رئالیست ها جایگاه محوری را در روابط بین الملل به دولت ها می دهند و سازمان های بین المللی را به عنوان متغیری وابسته به قدرت و ( نه متغیر مستقل ) در نظر میگیرند.

نفوذ امریکا و دیگر قدرت ها در سازمان ملل متحد و اعطای حق ناعادلانه و تو به ۵ کشور جهان ، اصلی ترین عامل در به بن بست رسیدن بسیاری از مصوبات سازمان ملل و به خصوص علیه اسرائیل است . نبودن ضمانت اجرایی برای مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد ، سالهاست که به بسیاری از این مصوبات جنبه تشریفاتی و نمایشی داده است . در واقع امریکا با حمایت مطلق از رژیم صهیونیستی، در بسیاری از موارد سدی در مسیر صدور قطعنامه علیه این رژیم شده است و یا با به کار بردن نفوذ خود در سازمان ملل متحد و جهت دهی این سازمان ، قطعنامه های صادره علیه اسرائیل را به بایگانی سازمان ملل فرستاده است. اینها قطعنامهها ذیل فصل ششم منشور است که جنبه اجرایی نداشته است و آنهایی هم که جنبه اجرایی داشته آمریکاییها وتو کردند. بیشترین آمار وتو قطعنامههایی است که آمریکاییها در دفاع از رژیم صهیونیستی انجام دادند. در چنین مواقعی

آرا جنایات اسرائیل را محکوم کرده اما چون مصوبات

پرونده به مجمع عمومی ارسال شده و مجمع با اکثریت  
مجمع توصیه‌ای است، اتفاقی نیفتاده و منجر به  
گستاخی اسرائیل شده است.

## منابع و مأخذ

### الف- فارسی

۱. صفا تاج، مجید (۱۳۸۳). سلطه پنهانی. آرون، تهران.
۲. موسی زاده، رضا (۱۳۹۷)، *سازمان های بین المللی*، نشر: میزان
۳. اسلامی، محسن (۱۳۸۸). *سیاست خارجی اسرائیل*، نشر: امیرکبیر

### ب خارجی

1. Archer, Clive (1992) *International Organizations*, 2nd ed, New York: Routledge
- Vol 2. Mearsheimer, John, J., (2009), *Reckless States and Realism*, *International Relations* 23(2)
3. Morgenthau, H.J. (1985) *Politics among Nations*, 6th edn New York





## بررسی مقایسه ای سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا در پنج محور:

اهداف

عضویت

وظایف  
و  
اختیارات

عملکرد

شخصیت  
حقوقی

### ظاهره جمشیدی

## دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل

### دانشگاه تربیت مدرس

ارکان و اختیارات مخصوص به خود هستند و از حق تصمیمگیری مستقل نیز بهرهمندند (آقایی، شاه میرزایی ۱۳۹۶: ۵).

بعد از جنگ جهانی دوم راهکار جدیدی در جهت سامان بخشی پایدار نظام به وجود آمد که نمود آن را می توان در سازمان ملل متحد متحد دید. این سازمان به عنوان گسترده ترین رژیم بین المللی رسمی تا کنون به کارکرد خود ادامه داده است. در واقع برجسته ترین مسئله ای که نظام بین الملل در حال حاضر با آن مواجه است فراهم ساختن چهارچوبی برای صلح پایدار است. که در این راستا تقویت سازمان ملل بعنوان اولین راهکار است. اما علاوه بر سازمان ملل، رژیم

#### ۱. مقدمه

سازمان های بین المللی به عنوان یک نهاد جمعی دارای اهداف، وظایف و اختیارات، شخصیت حقوقی، عملکرد و شیوی عضوگیری خاص خود هستند. هر سازمان بین المللی<sup>۱</sup> یک نهاد بین المللی<sup>۲</sup> است اما هر نهاد بین المللی الزاماً یک سازمان بین المللی نیست. در واقع میان نهادهای بین المللی و سازمان بین المللی رابطه اعم اخص مطلق وجود دارد. پرفسور مادام باسئید معتقد است: سازمانهای بین المللی دولتی، تشکیلاتی هستند که برای برآوردن هدفهای مشترک از راه انجام يك سلسله اقدامات هماهنگ و مداوم بین دولتهای حاکم به وجود می آیند. این سازمانها دارای

<sup>1</sup>International organization

<sup>2</sup>International institution

<sup>3</sup> United nations

های رژیم های دیگری شکل گرفته اند که به رژیم منطقه ای شهرت دارند. به جرأت می توان گفت که یکی از قدرتمندترین اتحادیه های منطقه ای اتحاد اروپا است.

رابطه بین سازمان ملل متحد و سازمان های منطقه ای پیچیده و دشوار ولی کارساز و مؤثر است. براساس مقررات فصل هشتم منشور ملل متحد سازمان ملل می تواند از ظرفیت سازمانهای منطقه ای برای کمک به صلح و امنیت بین المللی استفاده نماید (عنادی، ۱۳۹۰). برای نمونه مطابق بند ۳ ماده ۵۲ منشور شورای امنیت، حل مسالمت آمیز اختلافات محلی و منطقه ای را از طریق ابتکارات سازمانهای منطقه ای تشویق می نماید. با توجه به ظرفیت سازمان های بین المللی منطقه ای در حفظ صلح و امنیت بین المللی و مشارکت سازمان هایی مانند اتحادیه اروپا<sup>۴</sup> انتظار می رود که سازمان های منطقه ای همکاری گسترده ای با سازمان ملل متحد در جهت حل بحران های جهانی داشته باشند.

## بررسی مقایسه ای سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا (پنج محور مذکور)

### مقایسه اهداف سازمان ملل و اتحادیه اروپا

سازمان ملل متحد به راه های گوناگون، مستقیم و غیرمستقیم، صلح را ترویج و برای مهار مناقشه های موجود یا در حال شکل گیری، از روش های مختلف، از میانجیگری تا اعزام نیروهای حفظ صلح، استفاده می کند. این سازمان در زمینه پیشگیری، می کوشد به عوامل اقتصادی و اجتماعی جنگ رسیدگی کند. سازمان ملل متحد، به عنوان مرکزی برای دیپلماسی و گفت و گو، چارچوبی برای حل مسالمت آمیز اختلاف ها، و راهی برای برطرف کردن مناقشات پیش از شروع آنها، ارائه می دهد و هنگام بروز بحران های بین المللی به عنوان کانون اصلی برای کاستن از تنش ها و شروع مذاکرات خدمت می کند. سازمان ملل همچنین با مجموعه حقوق بین الملل، و نیز از طریق کمک توسعه، به ترویج و ارتقاء صلح کمک می کند ([www.unic-ir.org](http://www.unic-ir.org)).

اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه کمک های مالی به کشورهای جهان سوم بر پایه موازین حقوق بشری، ارزش های هنجاری مربوط به دموکراسی، تعریف هویت جمعی، دیپلماسی فعال، افزایش نقش در هنجارهای بین المللی، احترام به حقوق بشر و ارتقای آن، احترام به حکومت قانون و غیره از جمله ویژگی های اتحادیه اروپا هستند که نقش مؤثری در ارتقای جایگاه این اتحادیه در تحقق صلح ایفا می نمایند (منصوری، نیکخواه ۱۳۹۶).

در واقع می توان گفت در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی سازمان ملل و اتحادیه اروپا نقشی مکمل دارند مقوله کنترل و مدیریت بحران از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود به طوری که دخالت سازمانهای بین المللی تأثیرگذار در زمینه حفظ صلح و مدیریت بحران همانند شورای امنیت سازمان ملل و ناتو اهمیت قابل ملاحظه ای می یابد.

در خصوص سایر اهداف، اتحادیه اروپا به دلیل اتحاد و انسجام مستحکم بین اعضا، موفقیت دستاوردهای بیشتری کسب کرده است. از طرف دیگر اگرچه سازمان ملل از حوزره عملکرد گسترده تری برخوردار است اما به علت گستردگی بین اعضا در نیل به برخی اهداف ناموفق بوده است.

### مقایسه اختیارات و وظایف سازمان ملل و اتحادیه اروپا

همان که در بخش های قبل اشاره شد، هر کدام از این دو سازمان دارای ارکانی هستند که هر رکن دارای وظایف و اختیارات خاص خود است. یکی از مهمترین ارکان سازمان ملل متحد شورای امنیت است و مهمترین وظیفه شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین المللی است. در دهه های اخیر، اتحادیه اروپا در بسیاری از موارد حساس به شورای امنیت کمک کرده است. برای نمونه همکاری در زمینه قطعنامه شورای امنیت: برای مثال قطعنامه شورای امنیت در زمینه مبارزه با تروریست و سلاح های کشتار جمعی که اتحادیه اروپا صلاحیت رسیدگی به آن را بر عهده پیمان لیسبون گذاشت. همکاری در زمینه ی تحریم های شورای امنیت و استفاده از زور مشروع از

<sup>4</sup> European Union





دیگر نمونه هاست (شفیعی و مرادی، ۱۳۹۱). پس می توان گفت سازمان ملل و اتحادیه اروپا دو نیروی مکمل هستند که در زمینه های مختلف همکاری ها تنگاتنگی دارند. اما در برخی موارد با توجه تفاوت ماهیت وجودی دو سازمان و گستره و حوزه عملکرد، اختلافاتی در حوزه اختیارات آنها مشاهده می شود. حوزه اختیارات و وظایف سازمان ملل متحد با توجه به بعد جهانی بودن آن گسترده تر از اتحادیه اروپا به عنوان یک مجموعه منطقه ای است. اما از طرف دیگر اتحادیه اروپا به دلیل همگرایی اعضا عمل کرد موفق تری دارد.

### مقایسه عملکرد سازمان ملل و اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد با توجه به ماهیت متفاوت (سازمان ملل در مقیاس جهانی و اتحادیه اروپا در مقیاس منطقه ای) در جهت نیل به اهداف خود عملکرد متفاوتی را حاصل می کنند. در واقع اتحادیه اروپا به دلیل سطوح بالای همگرایی، اتحاد و انسجام بین اعضا در جهت نیل به هدف، عملکرد بهتری از خود نشان می دهد. از طرف دیگر سازمان ملل متحد از آنجا که متشکل از اعضا غیر همگن است و در برخی از موارد به دلیل شکاف بین اعضا آن، علی رغم موفقیت قابل توجه، در نیل به برخی اهداف ناموفق و عملکرد مناسبی نداشته است. یکی از موانع جدی در مسیر عملکرد صحیح سازمان ملل نفوذ قدرت های بزرگ در سطوح اصلی ساختار این سازمان (شورای امنیت) است. در واقع این قدرت ها از سازمان ملل به عنوان ابزاری در جهت نیل به منافع خود استفاده می کند. سلطه بیش از حد ایالات متحده بر این سازمان به دلیل قرار گرفتن ساختمان آن در این کشور موجب شده تا از کارایی آن کاسته شود.

اتحادیه اروپا هم در مسیر وحدت خود با چالش ها و موانعی و بحران های گسترده ای روبرو بوده و است. که بر عملکرد اتحادیه اروپا تأثیر داشته است. چالش با ایالات متحده در جنگ تعرفه ها، ادامه کشمکش بر سر افزایش بودجه نظامی کشورهای عضو ناتو و تقابل بر سر مسائل زیست محیطی، ماجرای پرچالش برگزیت، بحران اقتصادی، اعتراضات مختلف در کشورهای گوناگون از جمله فرانسه و اسپانیا، انتخابات

پارلمان اروپا، انتخابات داخلی در کشورهای مختلف، ادامه فعالیت احزاب راست افراطی در اروپا، تغییرات در مسئولان نهادهای اروپایی و موارد مختلف دیگر، در مجموع چالش های سختی را برای اتحادیه اروپا رقم زده است. اینک با شروع سال ۲۰۲۰ به نظر می رسد اروپا با چالش های مختلفی روبرو خواهد شد. بخشی از این چالش ها نوظهور و بخش دیگر ادامه چالش های قبلی خواهد بود. برگزیت و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، چالش ادامه دار اتحادیه است. مقابله با افراطگرایی و تروریسم و نگرانی از بازگشت تروریست ها و افراطیون از خاورمیانه به اروپا کمکان دغدغه اتحادیه خواهد بود. مضاف بر اینکه هر اتفاق جدیدی در خاورمیانه و آفریقا، اروپا را با بحران مهاجرت نیز مواجه خواهد ساخت؛ بحرانی که در کنار شرایط نامطلوب اقتصادی زمینه قدرت نمایی احزاب راست افراطی را در سراسر قاره موجب خواهد شد (سنایی، ۱۳۹۹).

### شخصیت حقوقی سازمان ملل و اتحادیه اروپا

با توجه به عدم تصریح معاهدات مربوط به دارا بودن شخصیت حقوقی اتحادیه اروپا، با اسناد و رویه قضایی موجود در این خصوص توسط دیوان اتحادیه اروپایی می توان چنین نتیجه گرفته شده که اتحادیه نیز داری این ویژگی می باشد و می تواند در مجامع بین المللی حضور داشته و اقدام به عملیاتی کند که لازمه آن دارا بودن شخصیت حقوقی می باشد. اگرچه هنوز در میزان و محدوده این اختیارات و بطور کلی دامنه صلاحیت آن نظری واحد اتخاذ نشده است لیکن می توان گفت که دیوان اتحادیه نقشی بس مهم در توسعه و تکامل آن خواهد داشت (کدخدایی، ۱۳۷۸: ۶۵). همان طور که اشاره شد وضعیت سازمان ملل متحد هم در این باره مشابه وضعیت اتحادیه اروپا است، منشور ملل متحد دربردارنده هیچ قاعده ای در مورد شخصیت حقوقی این سازمان نیست. در واقع هر دو سازمان نه به صورت صریح بلکه به شکل ضمنی این ویژگی را پذیرفته اند.



## نتیجه گیری

و انجام بعضی اختیارات، با موانع و چالش هایی روبرو بوده اند. همان طور که اشاره شد اتحادیه اروپا با بحران هایی از قبیل بحران اقتصادی مخصوصا بحران حوزه یورو در سال ۲۰۰۸، خیزش ملی گرایی، بحران مهاجرت، خروج بریتانیا از این اتحادیه بوده و بحران کنونی ویروس کرونا و چالش های بعد از آن را پیش رو دارد. در این راستا سازمان ملل هم با موانع با چالش هایی مواجه است در واقع می توان نفوذ قدرت های بزرگ را برجسته ترین مانع در میسر عملکرد صحیح سازمان ملل دانست مانع دیگر عدم ضمانت اجرای کافی برای قطعنامه ها و تصمیمات و نا کارآمدی تصمیمات و قطعنامه های مجمع عمومی است.

بر طبق موارد مذکور سازمان ملل و اتحادیه اروپا هر دو دارای شرایط خاص خود برای پذیرش اعضای جدید هستند اما اتحادیه اروپا در این زمینه سخت گیری بیشتری اعمال می کند. موانعی که در میسر ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا است، گویای این موضوع است. ترکیه با ده مانع ساختاری و نیز سیاسی از قبیل: روند حقوق بشر و گسترش دموکراسی واقعی، حقوق اقلیت های قومی- مذهبی و همچنین موارد عمده ی دیگر روبروست که به نظر می رسد هنوز با ایده آل های مورد نظر اتحادیه اروپا بسیار فاصله داشته و راهی دراز فراروی آن قرار دارد (یزدانی و جلال حاجی زاده ۱۳۹۰: ۳۳۷).

در کل می توان گفت سازمان ملل و اتحادیه اروپا دو سازمان هم سو در رسیدن به اهداف مشترکی حرکت می کنند و عملکردی مکمل درارند. سیطره کشورهای اروپایی به همراه ایالات متحده، مخصوصا آن دسته از کشورهای که عضو دائم شورای امنیت هستند بر سازمان ملل و تصمیمات آن کاملا مشهود است. استانداردهای دو گانه، مخصوصا در موضوعات مرتبط با حقوق بشر، کارنامه موفقی برای این دو سازمان بر جا نگذاشته است. در واقع سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن تبدیل به ابزاری شده اند که بازیگران اصلی آن، چند کشور قدرتمند هستند، که نه برای تأمین امنیت جهان، بلکه برای پیش برد سیاست های خارجی کشورهای خاص کار می کنند.

همان طور که اشاره شد سازمان های بین المللی مستلزم تجمعی از دولت ها هستند که بر اساس یک سند تأسیس، تشکیل می شوند و اعضای آن اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می کنند. سازمان ملل بعنوان گسترده ترین سازمان بین المللی تقریبا شامل تمام کشور های جهان است. و در سطح منطقه به جرأت می توان گفت که یکی از قدرتمندترین اتحادیه های منطقه ای اتحاد اروپا است. این دو سازمان پس جنگ خاندان سوز جهانی دوم تشکیل شدند. یعنی در برهه زمانی که اساسی ترین و مهمترین دغدغه دولت ها و ملت ها صلح و امنیت بود. در این راستا رسالت و هدف اصلی این دو سازمان ایجاد صلح و امنیت بین المللی بود. در ماده ۱ منشور، یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین المللی بیان گردیده و براساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، این وظیفه بر عهده شورای امنیت گذاشته شده است. در جهت ایجاد صلح و امنیت این دو سازمان همکاری تنگاتنگی داشته اند در واقع کاملا همسو و متحد عمل کرده اند. تا آنجا که پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) یک پیمان نظامی متشکل از کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا، برای اجرای آن دسته از بند های منشور سازمان ملل که مستلزم دخالت نظامی این سازمان در برخی مناطق است به عنوان نیروی سازمان ملل عمل می کند.

از طرف دیگر این دو سازمان در جهت نیل به برخی اهداف، عمل به برخی وظایف و انجام بعضی اختیارات، عملکرد و نتایج متفاوتی را حاصل کرده اند. همان طور که اشاره شد، در واقع اتحادیه اروپا به دلیل سطوح بالای همگرایی، اتحاد و انسجام بین اعضا در جهت نیل به هدف، عملکرد بهتری از خود نشان می دهد. از طرف دیگر سازمان ملل متحد از آنجا که متشکل از اعضا غیر همگن است و در برخی از موارد به دلیل شکاف بین اعضا آن، علی رغم موفقیت قابل توجه، در نیل به برخی اهداف ناموفق بوده و عملکرد مناسبی نداشته است.

همچنین می توان گفت این دو سازمان در جهت نیل به برخی اهداف، عمل به برخی وظایف



## منابع

۱. آقایی، داوود؛ شاه میرزایی، آیت اله (۱۳۹۶)، سازمان های بین المللی، نشر: تهران: مدرسان شریف
۲. اسماعیلی مهدی (۱۳۸۶) عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی: ناشر و تهیه کننده ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
۳. سنایی، اردشیر (۱۳۹۹) چالش های پیش روی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰، در <http://newspaper.hamshahrionline.ir>
۴. عنادی (۱۳۹۰) سازمان های بین المللی <http://jaafari.blogfa.com/post/23>
۵. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۷۸). شخصیت حقوقی جامعه و اتحادیه اروپائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران) شماره ۴۴، اصص ۶۵ – ۹۰، ثابت آدرس: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/46673>
۶. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در: <https://www.tabnak.ir>
۷. منصوری سید احمد رضا؛ نیکخواه، رضا (۱۳۹۶). نقش اتحادیه اروپا در تحقق صلح جهانی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان، صفحه ۱۳۸-۱۵۷
۸. میراحسنی، منیرالسادات (۱۳۸۸). نگاهی به ساختار و عملکرد سازمان ملل، متحد مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، شماره های ۹۳ و ۹۴، صفحات ۱۱۹ – ۱۰۳
۹. نوذر شفیعی ؛ فرزانه مرادی (۱۳۹۱) فصلنامه پژوهشهای روابط بینالملل، دوره نخست، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۱
۱۰. یزدانی، عنایت الله ؛ جلال حاجی زاده (۱۳۹۰)، بررسی موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا (EU)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴/ زمستان ۱۳۹۰/ صفحه ۳۳۷-۳۵۳
11. European Commission, European integration and enlargement of the European Union, available at: [https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/sites/near/files/eu\\_trek\\_teaching\\_notes\\_en.pdf](https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/sites/near/files/eu_trek_teaching_notes_en.pdf)
12. <http://www.unic-ir.org>
13. <https://europa.eu/european-union/about-eu/countries>
14. <https://europarlamenti.info/pe/European-union/>

## چه کسی به پا خواهد خواست؟

### هادی کسایی

### دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

### دانشگاه تربیت مدرس

جمله تئوری انقلاب اسکاچپول بود. باری در این بستر؛ محور بحث ما این است که چه کسی برای انقلاب به پا خواهد خواست؟ از زمانی که مارکس و انگلس رویکرد تضاد محور و ماتریالیسم تاریخی را موتور تاریخ تمام جوامع معرفی کردند که موجودی بنام پرولتر؛ به گونه ای دیالکتیکی در بندترین و در عین حال رهایی بخش ترین عنصر این نظام بود، در بسیاری از تئوری های انقلاب نقش پرولتاریا برجسته شد. اما وارثان راستین مارکس یعنی لنین و ماتو و لوگزامبورگ و بسیاری متفکران دیگر که به گونه ای متأثر از تفکر مارکس بودند با تغییر شرایط جوامع در چهره ی عنصر انقلابی تغییراتی ایجاد کردند. لنین باور داشت توده بدون کمک حزب و یک مرکز آگاهی بخش هیچ گاه به طبقه ای انقلابی تبدیل نخواهد شد. لوگزامبورگ به اتحاد توده و سربازان باور داشت. ماتو اندیشه خط توده ها را طرح کرد که در واقع خود توده کاملاً متوجه است تحت استعمار چه کس است و چگونه باید رهایی یابد و این رهبرانند که باید گوش به دهان توده بگذارند. دبره با الهام از انقلاب کوبا به عنوان نمونه ی آرمانی می‌گوید: کوهستان عناصر بورژوا و دهقان را به پرولتر تبدیل می‌کند و شهر می‌تواند پرولتاریا را دارای خصایص بورژوایی کند به گونه ای دیگر فرانتس فانون به روستاییان به عنوان عناصر انقلابی تکیه می‌کند از این تئوری ها که در واقع دنباله ی تئوری انقلابی مارکس بودند که بگذریم متفکران انقلابی در حالتی از گسست با تئوری مارکس یا لااقل مارکس متاخر بر عناصری دیگر به عنوان بنیان انقلاب انگشت نهادند. کلیدی ترین این تغییر موضع در تفکر مارکوزه است. مارکوزه پس از اینکه شاهد اضمحلال چهره ی پرولتاریا در بافت جامعه سرمایه داری بود گفت که این طبقه دیگر حتی میل براندازی بورژوازی را ندارد و همزمان با اوج گرفتن جنبش دانشجویی در اروپا در ۱۹۶۰ مارکوزه این طبقه را نیروی انقلابی جامعه جدید خواند در کنار اقلیت فرعی چون مطرودین اجتماعی و بیگانگان

پیش از پرداختن به عنصر انقلابی که در واقع قلب هر انقلاب و زمام دار اصلی این تغییر بنیادی است نخست به ریشه یابی اصطلاح انقلاب می پردازیم. انقلاب یا REVOLUTION چیست؟ هانا آرننت در کتاب انقلاب (۱۳۸۱). پس از بررسی ریشه‌های واژه ی انقلاب؛ به تعبیر یونانیان از این واژه استناد می‌کند با این عنوان که انسانها بر حسب طبیعت یا PHUSEI برابر نبودند و به نهاد یا تاسیسی مصنوعی یعنی دولت‌شهر POLIS نیاز داشتند تا به برکت عرف یا قانون NOMOS آنها را برابر کند. در ادامه آرننت بیان می‌دارد که اگر چه تا قرن هفدهم از واژه انقلاب یک برداشت سیاسی به معنای امروزی وجود نداشت اما همواره منظور انقلابیون از این واژه ی از نجوم آمده؛ برگرداندن نظم پیشین است که در نتیجه خودکامگی های نظام های سلطنتی و مطلقه زایل شده بود. خلاصه اینکه آزادی جز در قالب دولت‌شهر میسر نیست و ضرورت انقلاب تنها تغییراتی درون نظم های موجود است برای دستیابی به نظمی که حافظ آزادی شهروندان باشد. اما آرننت می‌گوید دقیقاً در ۱۷۸۹ بود که همگان دریافتند بازگشت به نظم دیرین ناممکن و نامطلوب است چرا که اساساً پیش از این تاریخ چیزی بنام برابری واقعی وجود نداشته است و از نو آغازیدن؛ هسته مرکزی معنای انقلاب شد. هر چند به زعم مولف این سطور؛ تکرار که ذاتی واژه انقلاب (بر اساس الگوی کپرنیکی گردش ستارگان) بود هر چند از تعریف این واژه حذف و حتی مفهوم متضاد آن یعنی شروع دوباره به جای آن نشست اما گزاره ی تکرار در خود تئوری های انقلاب رسوخ کرد که البته حاصل الگو قرار دادن انقلاب فرانسه بود و بی مناسبت نبود که پرودون از انقلاب جاوید سخن می‌گفت. در اغلب تئوری های انقلاب الگویی خاص بدین مضمون که اگر فلان شود و فلان با فلان همراه شود به احتمال زیادی فلان خواهد شد طرح گردید کما اینکه انقلاب ۱۳۵۷ ایران یک گونه الگوشکنی مصداقی برای بسیاری تئوری های تکرار محور از



با اجتماع و استثمار شدگان و تحت آزار قرار گرفتگان از سایر نژادها و رنگ ها و افراد فاقد قابلیت لازم برای استخدام. این تغییر موضع در هابر ماس در آورنو در هورکهایمر هم به وضوح دیده می‌شود. در واقع این تئوری های پیش گفته که عناصر نقلابی را معرفی می‌کنند دچار گونه ای ذات گرایی شدند و با هر تغییری مجبور به تعویض ذات ها شدند در واقع یکی از مبدعات تفکر مارکسیسم مفهوم جبر تاریخ است اما برخلاف این بنیاد ضد فردگرایانه ؛ تفکر مارکسیستی مادام که به تحلیل عناصر انقلاب می‌پردازد در کنار شرایط مادی همواره موجودی با اراده که میل به انقلاب دارد یا باید داشته باشد را در مرکز تحلیل قرار می‌دهد گرچه مارکس و در ادامه لوکاچ بسیار تلاش کردند تا به این مسئله؛ چرا پرولتاریا؟ پاسخ بدهند که در اینجا از ذکر پاسخ ها قلم می‌گیریم و در یک کلام پاسخ آنها را خلاصه می‌کنیم یعنی تقدیر و موقعیت خاص پرولتاریا اما هنوز می‌توان سوال کرد چرا دیگرانی غیر پرولتر در این تقدیر و موقعیت قرار نگرفتند؟ و اساسا آیا این امکان برای غیر پرولتاریا وجود دارد؟ هر چند بنابر بر چارچوب تفکر مارکسیستی این امکان وجود نداشت اما نومارکسیست ها مجبور به تغییر موضع شدند. هر چند دوباره عناصری ذات محور را در مرکز اندیشه خود قرار دادند کما اینکه امروز شاهدیم که به هیچ وجه قشر دانشجو نیرویی انقلابی نیست. با این حال آیا نباید الگوی انقلابی ساختارگرا ها را پذیرفت؟ مشروط بر اینکه نخبه گرایانی چون پاره تو و کاریزماگرایانی چون وبر را در دچار همان ذات گرایی مارکسیست ها بدانیم.

منظور از تئوری های ساختارگرای انقلاب تئوری هایی است که سطح تحلیل آنها کلی و نهادمحور است که ذیل این عنوان تئوری های کارکردگرایانه و جامعه ی توده وار و حتی تئوری های روانشناختی که سطح تحلیلی نسبتا کلان دارند و به اختلاف توقعات ارزشی و قابلیت های ارزشی می‌پردازند را در اینجا با تساهل ساختارمحور معرفی می‌کنیم. اما در برابر این تئوری ها که وجه اشتراک تمام آنها این است که که یک شرایط منحصر بفرد یک موقعیت خاص با خصیصه های قابل شناسایی موجد فعال شدن عناصر انقلابی می‌شود. مثلا چالمرز جانسون در کتاب تحول انقلابی با تاثیر از پارسونز که پیش از او به تمرکز بر اهمیت ارزش ها و شرایط محیطی و هنجاری جوامع پرداخته بود به گونه ای الگوی کلی برای تحلیل شرایط انقلابی جوامع مختلف دست یافت مبنی بر اینکه هرگاه بین محیط و ارزش ها ناهماهنگی رخ دهد ظهور شرایط انقلابی ناگزیر می‌نماید. چون تمرکز ما بر وجه اشتراک این تئوری های ناهم خوان است در کنار تئوری جانسون میتوان تئوری های دیویس ، برینتون، اسکاچپول ، آرنست و سوروکین را

قرار می‌دهیم و با دو نقد به سراغ مفهومی خواهیم رفت که معتقدیم نواقص دو گروه تئوری های ذات گرا و کلان نگر را رفع کرده است. اولین نقد جمله ای است از توکویل در تحلیل انقلاب فرانسه: آن بخش هایی از فرانسه که بهبود سطح زندگی در آنها قطعی تر و مشخص تر از همه بود مراکز اصلی جنبش انقلابی را تشکیل می‌دادند. پس به هیچ عنوان محرومیت یا به تعبیر جانسون موانع محیطی در برابر نیل به ارزشها دلیلی برای فعال شدن عناصر انقلابی لااقل در انقلاب فرانسه که طبق تعبیر ما الگوی سایر انقلاب ها و ریشه تعریف جدید انقلاب است نبوده است. بگذریم از تئوری دورکیم مبنی بر اینکه گاه فقر خود عاملی برای محافظه کاری است. نقد دوم در راستای نقد توکویل است با این عنوان که در صورت وجود محرومیت یا احساس محروم بودن در یک جامعه به چه دلیل افشار دیگری به غیر از محرومان برای انقلاب فعال می‌شوند؟ حتی اگر در کنار محرومان؛ کمالینکه در اکثر انقلابات شاهد نقش برجسته طبقه متوسط یا روشنفکرانی که گاه مرفه نیز بوده اند(انگلس یک مصداق کامل است) بوده ایم. در این نقطه به اهمیت یکی از مفاهیم اصلی ژیل دلوز پی خواهیم برد. مفهوم اقلیت؛ هرگاه آن را با مفهوم دیگر دلوز با عنوان شدن همراه کنیم یعنی اقلیت شدن و نه اقلیت بودن به عنصری ضد هویت ثابت تبدیل می‌شود. دلوز از هویت ثابت مرد به عنوان اکثریت (به دلیل معیارهایی چون سلطه ، قدرت، عقل) و زن شدن که وابسته به هویت مرد است حرف می‌زند که همین بی معیاری زن باعث اقلیت شدن و داشتن استعداد انحراف از معیار او می‌شود. البته دلوز به گونه های لیبرال بی طرفی جنسی یا چندفرهنگ گرایی اشاره می‌کند که می‌توان به دنبال توسعه استاندارد بود و آن استاندارد را به انسان مذکر یا مونث، اروپایی یا غیراروپایی، دگرجنس خواه یا هم جنس خواه..... گسترش داد(پیتون، ۱۳۸۳) مفهوم اقلیت فهاوی کیفی دارد و نه لزوما کمی؛ بر اساس انحراف از معیار و استانداردی که هویت اکثریت را می‌سازد. هویت اقلیت ها همواره واجد نوعی ناخالصی و ناهمسانی است که مانع جذب و ادغام کامل اقلیت ها در چارچوب فرهنگ اکثریت می‌شود در نتیجه اقلیت ها همواره تهدیدی علیه ثبات و قدرت سلطه گرایانه اکثریت محسوب می‌شود.(مقدم شاد، ۱۳۹۴). پس به هیچ وجه اقلیت دلوز را نمی‌توان به معنایی جمعیت شناختی تفسیر کرد. به زعم دلوز چه بسا که اکثریتی کمی یک اقلیت کیفی باشد. این مفهوم ضد هویتی و ضد ذات گرایی است و در واقع انقلابی ترین و سیاسی ترین مفهوم دلوز است. این مفهوم به تحلیل دلوز از عرصه فرهنگ و به خصوص ادبیات نیز وارد شده و موجب طرح ادبیات اقلیت که وجهه ای انقلابی دارد شده است. در تعریف ادبیات اقلیت آورده اند که: ادبیات اقلیت نه به دنبال الگوهای تثبیت شده

است و نه ادعای بازنمایی انسانیت را دارد. ادبیات اقلیت چیزی را پدید می‌آورد که از قبل قابل شناسایی نیست. این ادبیات تنها اثری دیگر را به سنت عظیم ادبی اضافه نمی‌کند بلکه این سنت را بر هم می‌زند و در آن اختلال به وجود می‌آورد. (کولبروک، ۱۳۸۷). همین نقش را مفهوم اقلیت در عرصه سیاسی بازی می‌کند. گاه مفهوم اقلیت دلوز را با مفهوم غریبه ی زمیل مقایسه کرده اند که البته بسیار به هم شبیه هستند اما به زعم ما در حالیکه اقلیت دلوز یک برجستگی هستی شناختی خاصی دارد یعنی به نحوی موقعیت محور دیگران از اقلیت بودگی اقلیت با خبرند مثلا اقلیت تراجنسیتی که از مثال‌های خود دلوز است تقریبا در هر جامعه ای شناخته شده است. اما غریبه ی زمیل بیشتر یک موقعیت شناختی است هر چند در فاصله ای با هنجارهای گروه اما ادغام شده در گروه یعنی یک غریبه ی زمیلی به راحتی می‌تواند ظواهر غریبگی را با حفظ هسته ی غریبگی محو کند (یک روستایی پس از مدتی زندگی در تهران می‌تواند فقط به لحاظ شناختی غریبه باشد برخلاف اوایل مهاجرت اش). اما یک اقلیت تا این حد قادر نیست موقعیت خود را به سطح هسته ی اقلیتی تقلیل دهد. با این وصف

#### منابع

دلیل قرابت این دو مفهوم کیفی و موقعیتی بودن آنهاست. با این حال یک گروه می‌توانند غریبه باشند اما اقلیت نباشند با ذکر چند مثال به تحدید مرز این دو مفهوم می‌پردازیم. مثلا یهودیان در فرانسه تنها غریبه اند و می‌توان با بررسی تاریخ حضور یهودیان در فرانسه و میزان انحراف از معیارهای جامعه فرانسه به شرایط اقلیت بودن آنها در گذشته پی برد اما اکنون موضع اقلیتی ندارند. پرولتاریای مارکس دیگر موقعیت اقلیتی خود را از دست داده اند هر چند هسته ای از غریبگی را حفظ کرده اند. افغان ها در جامعه ایران تنها غریبه اند و هیچ گاه اقلیت نبوده اند. روشنفکران اوایل انقلاب مشروطه ایران غریبه نبودند اما موقعیت اقلیتی تندی داشتند. دلوز با طرح مفهوم اقلیت در واقع موقعیت را در دل عنصر انقلابی و عنصر انقلابی را در بافت موقعیت طرح کرد در حالیکه با افزودن مفهوم شدن در مقابل بودن (نقص عنصر انقلابی مارکسیسم؛ بودن مند بودن آن بود). گونه ای پویایی تاریخی به اقلیت ها بخشید مثلا در ادبیات اقلیتی؛ دلوز از شکسپیر اقلیتی حرف می‌زند که بعدها شکسپیر اکثریتی شد

- ۱- پیتون، پال (۱۳۸۷)، دلوز و امر سیاسی، ترجمه محمود رافع، تهران. گام نو.
- ۲- استفانورد کوهن، آوین، (۱۳۸۴)، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس.
- ۳- فورن، جان، (۱۳۸۲)، نظریه پردازان انقلاب ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نی.
- ۴- کولبروک، کلر، (۱۳۸۷)، ژیل دلوز، ترجمه رضا سیروان، تهران، مرکز.
- ۵- آرنه، هانا، (۱۳۸۱)، انقلاب، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، خوارزمی.
- ۶- مقدم شاد، محمودرضا، (۱۳۹۴)، اقلیت شدن به مثابه کنش انقلابی، فصل نامه سیاست، دوره ۴۸، شمار



# معرفی کتاب (هادی کسای)

## معرفی کتاب: عالم گیر



اسلاوی ژیتیک فیلسوف، نظریه پرداز و روانکاو اهل اسلونی، از رادیکال ترین متفکران معاصر است. ژیتیک با اشراف بر چندین حوزه ی مطالعاتی عمده، در اکثر مسائل جهان معاصر همواره تحلیل هایی عمیق و البته منتقدانه ارائه داده است شاید در کنار بدیو و آگامبن؛ مثلث تفکر رادیکال را حول مسائل جهان معاصر تشکیل می‌دهند. اسلاوی ژیتیک در جدیدترین کتابش با عنوان کلی "عالمگیر" و عنوان فرعی: کووید ۱۹ جهان را تکان می‌دهد که یک مقدمه، ده فصل و یک ضمیمه دارد. از جنبه های مختلف سیطره ی اپیدمی ویروس کرونا را بر تمام جهان تحلیل می‌کند. ژیتیک بارها در مصاحبه هایش از شرایطی پساکرونایی سخن می‌گوید که شاید جهان پس از کرونا هیچ گاه به حالت اول خود باز نگردد. عنوان این کتاب به شرح ذیل است:

سرآغاز: مرا لمس کن- فاصله گذاری بدنی.

فصل اول: اکنون همگی در یک قایق نشسته ایم- نیاز جهان به هم پیوسته کنونی به نسخه ای جدید.

فصل دوم: چرا همیشه خسته ایم؟ تفاوت میان دور کاری کارگران قراردادی خوداستثمارگر و دور کاری مدیران بالارده.

فصل سوم: به سوی طوفانی تمام عیار در اروپا- مسئله پناه جویان و پیامدهای منفی کرونا برای اروپا

فصل چهارم: به برهوت و ویروسی خوش آمدید- لزوم بازسازمان دهی اقتصاد جهان.

فصل پنجم: پنج مرحله تمام اپیدمی ها. عبور هر بحران، فردی یا اجتماعی از پنج مرحله انکار، خشم چانه زنی، افسردگی، پذیرش.

فصل ششم: ویروس ایدئولوژی- فرصتی برای اندیشیدن در مورد معنا یا بی معنایی زندگی و سیاست های یک بام و دو هوای دولتمردان جهان.



فصل هفتم: آرام باشید و بترسید- آنجا که نباید میترسیم و آنجا که باید نمیترسیم.

فصل هشتم: نظارت مجازات؟ بله لطفا- کرونا ویروس دستاویز خوبی است برای کنترل افراد.

فصل نهم: آیا تقدیر ما رجعت به بربریت با چهره ای انسانی است؟- اصل بقای سالم ترین ها، تقاضای داروی انحصاری، بقای برهنه.

فصل دهم: کمونیسیم یا بربریت، به همین سادگی، بر سر یک دو راهی سرنوشت ساز: بربریت یا کمونیسیم در شکلی نوین.

ضمیمه: دو نامه مفید از دوستان.

این کتاب اخیرا با ترجمه هوشمند دهقان توسط انتشارات صدای معاصر چاپ شده است. نگاهی به مفاهیمی که در عناوین کتاب به کار رفته است از کارگران خوداستثمارگر و ویروس ایدئولوژی تا ویروس کنترل گر؛ کافی است تا خواننده را با عظمت اندیشه و پهنای باند دغدغه های ژیزک آشنا کند. مطالعه ی چنین کتابی در اوج اپیدمی کرونا برای هر کسی در هر جای جهان لازم است تا پرتره ای واقعی از زوایای این طاعون شبح وار مدرن در برابرش ترسیم گردد.





## دعوت به همکاری



دعوت به همکاری

علاقه مندان می توانند در زمینه های مختلف اعم از نگارش مقاله، مصاحبه، گزارش و دیگر موضوعات در حیطه نشریه که در آن توانایی دارند مشارکت نمایند.

پست الکترونیکی : [nationsgatetmu@yahoo.com](mailto:nationsgatetmu@yahoo.com)



# *Nations Gate*

